

معرفی کتاب:

درحاشیهء تجلیل از هشتاد و یکمین

زادروز زنده یاد ببرک کارمل

رهبر فقید زحمتکشان افغانستان

نبی عظیمی

ش ملهء شکسته

(مظلوم نمایی های روشنفکرانه و سیاست گذاری های مزورانه)

چندی پیش دوست والاگهرم، آقای نور محمد سنگر نویسنده گران ارج کتاب مستطاب و پُر خواننده "نیم نگاهی به ائتلاف های تنظیمی در افغانستان"، توسط دوستی که از اروپا به زادگاه عزیزمان کابل می آمد، با محبت و لطف فراوان تازه ترین اثرشان را که "شملهء شکسته" نام دارد، برایم فرستادند. کتاب با ارزشی که با خواندن آن بار دیگر سیمای مزورانهء مظلوم نما های روشنفکرانهء عده یی که به قول مؤلف کتاب: "مشی مصالحهء ملی اسباب بازی و سرگرمی شان شده است . . ."، در برابر چشمان خواننده پدیدار می شود.

روی جلد این اثر به رنگ سرخ (رنگ پرچم حزب پُرافتخارمان، در دوران شاد روان ببرک کارمل) آذین یافته و دارای ۶۸ صفحه است. پشتی کتاب نیز رنگ سرخ دارد با شعری از پرتو نادری در مذمت یاوه سرایان و دلکان کذاب روزگار و ستایش آزادی و آزاد اندیشی و حقیقت گوئی. کاغذ کتاب مرغوب است و طبع آن منقح و پاکیزه. تنها کمی و کاستی آن چند اشتباه انگشت شمار املائی.

کتاب اهداء شده است به: "اعضای صادق حزب دموکراتیک خلق افغانستان که هدفی جز بهروزی و پیروزی انسان زحمتکش ندارند" نخستین عنوان این کتاب چنین است: دیروز و امروز مشی مصالحهء ملی (از اسکاد تا دشنه های سرخ) و پس از آن افشاء نمودن ماهیت و محتوای تبلیغات و پروپاگند های کودتاچیان (۱۴ ثور ۱۳۶۵ خ.) که بر ضد زنده یاد ببرک کارمل توسط سازمان استخباراتی K.G.B. و عمال معلوم الحال شان در

حزب دموکراتیک خلق افغانستان سازمان داده شد و منجر به سیه روزی مردم ما و نابودی کشور گردید.

البته که نورمحمد سنگر مانند برخی از کتاب نویسان و مقاله نویسانی که کوشش دارند، آفتاب را با دو انگشت خود پنهان و حقایق تاریخی را مسخ کنند، "هوایی" نمی نویسد. او مستدل و مستند می نویسد و بدون تحریف و تخطئه تاریخ و عاری از هرگونه شایبه اغراض و منافع حزبی و سازمانی. او به خاطر دفاع از حقیقت می نویسد و برای بر افگندن نقاب های مزورانه دروغگویان نابکار. او مانند آن نزدیکان دروغگوی داکتر نجیب الله که به منظور عوام فریبی و گمراه ساختن مردم هر حرف دروغ و نادرست را بر زبان داکتر نجیب الله شهید می گذارند و از آن تاریخ می سازند و هیچ گواه و سندی نمی آورند، نمی نویسد. آنچه او می نویسد، بر پایه و هنجار پژوهشی استوار است و به همین خاطر به دل خواننده می نشیند، اثرگذار می شود و بر وجاهت نویسنده و خامه زیبایش بیشتر از بیش می افزاید.

با خواندن این کتاب، خواننده متوجه می شود که آقای سنگر بهتر از همه کس می داند که جریان های سیاسی در جامعه و در تقویم می آیند و می روند ولی در تاریخ می مانند. او مانند هر آدم باورمند به اندیشه و پابند به اصول سازمان سیاسی، معتقد به آرمان سیاسی خود است و طبیعی است که از منافع حزبی و سازمانی خویش به دفاع می پردازد؛ ولی به گفته بزرگمردی او با حرمت گذاشتن به آرمان سیاسی خود، به آرمان تاریخ نیز وفادار می ماند، چندان که هنگام نوشتن و تحلیل و بررسی قضایا وجدانش در نوک انگشتانش جاری می شود. درست مانند مؤمنی که هنگام پرداختن به هر کاری خداوند را بالای سر خویش می و حاضر می پندارد. او از کسانی که برای رسیدن به اهداف شان دست به دامن دروغ می زنند متنفر است. او در آخرین صفحه شملهء شکسته می نویسد: "ستیز با حقیقت تُف سر بالاست که به روی خود آدم می افتد"، همچنان که این تُف سر بالا امروزه پس از نشر مقاله آقای وحید مژده: (قتلی که کودتایی در پی داشت) منتشره سایت آرپایی (دوشنبه ۲۴ ثور ۱۳۸۶ خ.) بر تربت همان کسی افتاده است که تلویحاً نوشته بود: قتل زنده یاد میر اکبر خیبر به دستور ببرک کارمل فقید صورت گرفته است.

گفتنی است که آقای "مژده" که از جمله تحلیل گران و پژوهشگران کشور ما هستند، در این نوشته مستند شان افشأ کرده اند که قتل زنده یاد میر اکبر خیبر به دستور گلبدین حکمتیار توسط دونفر تروریستان آن حزب به نام های لطیف که دانشجوی طب بود و به نام داکتر لطیف یاد می شد و جوان دیگری به نام صمد کوچک صورت گرفته بود. او می نویسد که داکتر لطیف در زمان خلقی ها از دانشگاه کابل دستگیر و در سال ۱۳۵۷ کشته شد. بدون آن که قاتلین او بدانند که وی قاتل شادروان میر اکبر خیبر بوده است. همچنان صمد کوچک که بعد ها به صمد مجاهد مشهور شد، در اثر پرتاب بم دستیش، بالای یکی از قلعه های ملیشه های خلقی در ولایت غزنی به اثر انفجار همان بم کشته شد و به این گفته شاعر مهر تائید گذاشت: خون ناحق دست از دامان قاتل بر نداشت / دیده باشی لکه های دامن قصاب را؟

به همین خاطر است که آقای نور محمد سنگر می نویسد که عالی جنابانی که تاریخ را فراموش کرده اند باید بدانند که "حافظه تاریخ مانند مغز های پوچ آنان نیست و در دفتر آن سیاه و سفید مشخص است"، و به همین دلیل است که سنگر، در نوشتن امر پر تضریر تاریخ، شتاب نمی کند، با مسؤلیت می نویسد و نوشته هایش را تا حد ممکن مستند و مستدل می سازد و با آخرین دیدگاه های تاریخنگاری آذین می بندد. آری او می داند که هنگامی که برای تاریخ می نویسد باید به آرمان تاریخ ببیوندد: نوشتن حقیقت و بیان حقیقت و همین!

شملهء شکسته را که بخوانیم متوجه می شویم که این کتاب در رابطه به کتابی که به گفته خودش: "توسط افراد عقده مند و شکست خورده در زنده گی های شخصی که به بهانه هفتمین سال شهادت دوکتور نجیب الله بیرون داده اند" نوشته شده است. در این کتاب بر علاوه آن که خواننده با سیما های واقعی برخی از نویسندگان آن کتاب معرفی می شود، تحلیل های واقعبینانه یی که بر بنیاد اسناد و شواهد کافی استوار است نیز از حوادثی می یابد که درست در پیش روی چشمان نویسندهء کتاب، اتفاق افتاده است. او در مورد این که مصالحه ملی را نخستین بار چه کسی عنوان کرد و بعدها چه کسی از آن سود برد و امروزه چگونه چند تا عوام فریب تاریخ و نامه نویسان جعلی از آن به عنوان برائت تیم انگشت شمار شان در بزرنگاه تاریخ استفاده می کنند، سخن می زند. از همان کسانی که دست به دست K.G.B. دادند و کودتای سیاه و ننگین ۱۴ ثور ۱۳۶۵ را برضد ببرک کارمل فقید، مرحله به مرحله سازمان دهی و اجراء کردند.

نورمحمد سنگر در صفحه ۶۳ کتابش در این رابطه چنین می نویسد:

"همین ها بودند که حزب را از درون دزدیدند، مصالحه ملی را به انحراف کشانیدند، مسایل ملی، سمتی و زبانی را دامن زدند، زن و فرزند و خانواده خود ها را با اسعار قیمت بها و سرمایه بیت المال به خارج فرستادند و بعداً با نماینده به اصطلاح سازمان ملل که چیزی بیشتر از یک دستپاک برای صحنه گذاشتن به اقدامات تجاوز گرانه امپریالیست ها و کارتل های امریکایی- اروپایی نبود، پیمان بستند و استعفاى خود را یک سال قبل تقدیم داشتند. در حالی که از برنامه صلح ملل متحد حرف می زدند و مردم را به آن دلخوش ساخته بودند، پنهانی با گلبدین و مسعود و ربانی و قطب الدین و . . . روی معامله گری ها چانه می زدند و بالاخره با یک توطئه پلان شده در شمال تشنج آفریدند تا با یک تیر دو هدف بگیرند: خود را سلامت از کشور بکشند و مسؤلیت سقوط را نیز به گردن دیگران بیندازند. خواستند شب هنگام دزدانه (شیر واری) فرار کنند اما مرغ زیرک به دو دام بند می ماند . . ."

بدینترتیب، آقای سنگر از آغاز تا انجام کتابش از حقایق سخن می زند که به وسیله همین کودتاچیان که مصالحه را دزدیدند و بعد با بازی ها و زد و بند های اوپراتیفی آن را به لجن کشیدند و به جز شعارهای میان تهی چیزی از آن باقی نگذاشتند و اکنون به این دور باطل "مصالحه" گیر مانده اند و به جز از مصالحه و مصالحه گفتن و دیگران را به کودتا محکوم کردن حرف دیگری برای گفتن ندارند، مسخ شده است.

در حالی که از فرصت استفاده کرده برای دوست شجاع و خامه پرداز توانیم نور محمد سنگر، صحتمندی و پیروزی های بیشتری در امر باز گویی حقایق آرزو می کنم، خواندن این اثر را به دوستانی که تشنه فهمیدن حقایق اند، توصیه می کنم.

و من الله التوفیق